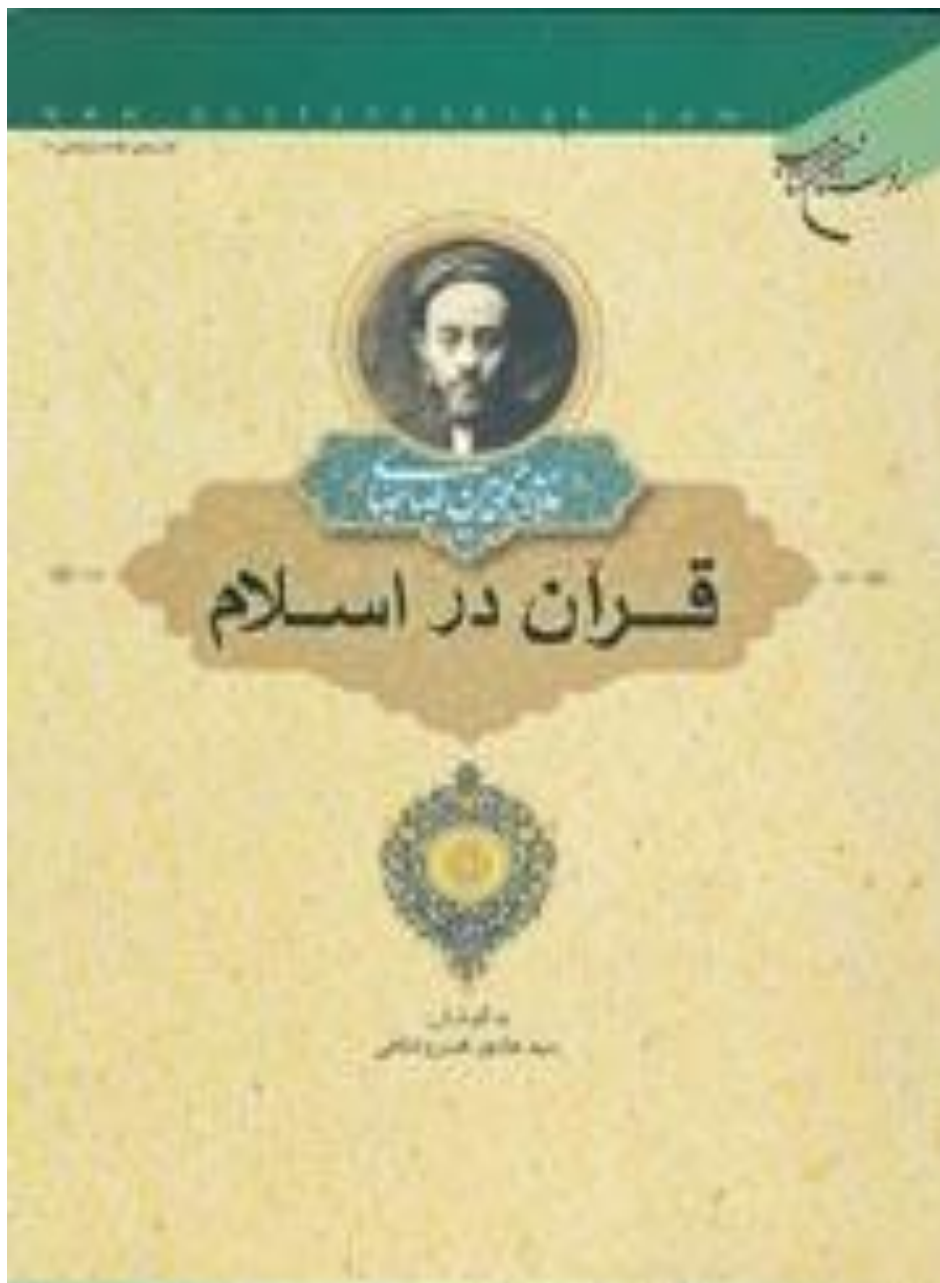


تلخیص کتاب

قرآن در اسلام

علامه طباطبائی (ره)



معرفی اجمالی کتاب "قرآن در اسلام" علامه طباطبائی (ره)

فهرست :

فصل اول :	الف - قرآن مجید متضمن کلیات برنامه زندگی بشر است.
- زندگینامه علوم طباطبائی (مؤلف)	ب - قرآن مجید سفر نبوت است.
- آثار علام	بخش دوم : چگونگی تعلیم قرآن
فصل دوم :	الف - قرآن مجید کتابی است جهانی
- جایگاه کتاب «قرآن در اسلام»	ب - قرآن مجید کتابی است کامل
- فرایا و محاسن کتاب	ج - قرآن مجید کتابی است همیشگی
- قرآن در اسلام در کتاب	د - قرآن مجید در دلالت خود مستقل است.
فروشیب های آسمان	هـ - قرآن مجید ظاهر و باطن دارد.
- ساختار کتاب	و - چرا قرآن مجید از دو راه ظاهر و باطن سخن گفته ؟
- تمجید از کتاب و مؤلف	ز - قرآن مجید محکم و متشابه پیش مفسرین
آن	ی - قرآن مجید دارای تأویل و تنزیل است.
فصل سوم :	یا - معنای تأویل پیش مفسرین و علما
- معرفی کتاب و بخش	
های آن شامل	
- بخش اول : ارزش قرآن	
مجید در میان مسلمانان	

- | | |
|---|--|
| 3- ملائکه و شیاطین | یب - معنای تأویل در عرب قرآن چیست؟ |
| 4- جن | یج - قرآن ناسخ و منسوخ دارد. |
| 5- ندای وجدان به دعوت | ید - جری و انطباق قرآن مجید |
| 6- در اطراف توجیه مردم | یر - تفسیر الفاظ قرآن مجید و پیدایش سیر آن |
| د - قرآن خود در معنای وحی و نبوت چه می گوید ؟ | یو - علم تفسیر و طبقات مفسرین |
| - ویژگی این آسمانی | یز - روش مفسرین شیعه و طبقات شان |
| بخش چهارم : رابطه قوآن مجید با علوم | یح - قرآن خود و چگونه تفسیر می پذیرد؟ |
| الف - تجلیل قرآن مجید از علم و ترغیب در تحصیل آن | ک - تفسیر قرآن به قرآن |
| ب - علمی که قرآن مجید به تعلیم آن ها دعوت می کند. | کا - معنای حجیت بیان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیه السلام |
| ج - علوم خاصه به قرآن مجید | بخش سوم : وحی قرآن مجید |
| د - علمی که قرآن مجید در پیدایش آنها عامل بوده | الف - اعتقاد عمومی مسلمانان در وحی قرآن |
| بخش پنجم : ترتیب نزول قرآن و انتشار در میان مردم | ب - نظر نویسندگان امروز درباره وحی و نبوت |
| الف - آیات قرآن مجید به چه ترتیب نازل شد؟ | ج - قرآن مجید در این باره چه می گوید ؟ |
| ج - اسباب نزول | 1- سخن خدا |
| د - روشی که باید در اسباب نزول معمول داشت | 2- روح امین و جبرئیل |
| ه - ترتیب نزول سور | |

- | | |
|---|-----------------------------|
| ز - جمع قرآن مجید در یک مصحف | یب - طبقات قرآء - قراء سبعة |
| (قرآن پیش از رحلت) | یه - نام های سور قرآنی |
| ح - پس از رحلت | یو - خط و اعراب قرآن مجید |
| ی - قرآن مجید از هر گونه تحریف محفوظ است. | - نتیجه گیری برداشت و تحلیل |
| یا - قرائت قرآن و حفظ و روایات آن | - منابع |

زندگینامه علامه طباطبائی (ره)

پیش از مقدمه کتاب در بخشی بعنوان «زندگی من» علامه در مورد زندگی خود شرح می دهند که در این نوشته موارد دیگر نیز اضافه می گردد.

نویسنده محمد حسین طباطبائی ، به سال 1281 شمس ، در تبریز متولد شد. در سن پنج سالگی مادر و در سن نه سالگی پدر را از دست داد یکسال قبل از فوت پدرش به مدرسه رفت اما پس از پایان کلاس هفتم مصلحت دیه می شود که در خانه درس بخواند به این دلیل او و برادرشان تحت تعلیم ادیب لایقی به نام شیخ محمد علی سرانی قرار می گیرند و در ظرف سالها در علم صرف کتاب امثله و صرف میر و تعریف و در نحو کتاب عوامل و انموذج و صمدیه و سیوطی و جامی و مغنی و در بیان کتاب مطول و در فقه کتاب شرح لمعه و مکاسب و در اصول کتاب معالم و قوانین و رسائل و کفایه و در منطق کبری و حاشیه و شرح شمسیه و در فلسفه کتاب شرح اشارات و در کلام کتاب کشف المراد را خواند و به همین ترتیب دروس متن (در غیر فلسفه و عرفان) خاتم یافت.

وزیر نظر میرزا علینقی خطاط به یادگیری خود عازم حوزه نجف گردید. یک دوره خارج اصول که تقریباً شش سال طول کشید و چهار سال خارج فقه را در محضر آیه الله نائینی و یک دوره خارج اصول معظم له حضور یافت. کلیات علم رجال را نیزش مرحوم آیت الله حجت کوه کمری رفت. آشنایی با حاجی میرزا علی آقا قاضی رضوان اله علیه در مرحوم استاد علوم چنان تأثیری گذاشت که

مدت 11 سال اقامت در نجف علاوه بر فقه و اصول و ریاضیات و فلسفه و رجال و تفسیر، در عرفان علمی در م0ضر این استاد عالیقدر حضور یافته و در سیر و سلوک و تزکیه نفس توشه های فراوانی بردند. مرحوم علامه در اواخر زندگی در نجف روزگار را به سختی گذراندند به طوری که در سال 1341 در اثر اختلال وضع معاش عازم ایران شدند و در روستای شاد آباد تبریز سکنی برگزید.

ایشان به منظور کسب علم عازم قم شدند و برای همیشه با شهر تبریز وداع کردند در سال 1325 وارد قم شدند و مدت 35 سال در این شهر زندگی کردند و بیشترین خدمت را به اسلام و حوزه های علمیه کردند.

حضرت علامه درباره عنایت خدایی اینگونه می فرمایند: در اوایل تحصیل که به صرف و نحو اشتغال داشتم علامه زیادی به ادامه تحصیل نداشتیم و از این روی هر چه می خواندم نمی فهمیدم و چهار سال به همین نحو گذرانیدم پس از آن یک باره عنایت خدایی دامن گیرم شده عوضم کرد و در خود یک نوع شیفتگی و بی تابی نسبت به تحصیل کمال حس نمودم به طوری که از همان روز تا پایان ایام تحصیل که تقریباً هفده سال کشید هرگز نسبت به تعلیم و تفکر درک خستگی و دلسردی نکردم و زشت و زیبای جهان را فراموش نموده و تلخ و شیرین حوادث را برابر پنداشتم بساز معاشرت غیر اهل علم را به کلی برچیدم ...»

وی درس فلسفه را با سبک و روش نوینی آغاز کرد. زندگی این عالم بزرگ در 24 آبان سال 1360 در شهر قم به پایان رسید.

آثار علامه :

آثاری که علامه طباطبائی در تبریز تهیه کردند : 1- رساله در اسماء و صفات
2- رساله در افعال 3- رساله در وسایط میان خدا و انسان 4- رساله قبل الدنيا
5- رساله من الدنيا 6- رساله بعد الدنيا 7- رساله در ولایت 8- رساله در نبوت
9- کتاب سلسله اسباب طباطبائیان آذربایجان

آثاری که هنگام تحصیل در نجف تهیه کرده اند : 1- رساله در برهان 2-
رساله در مغالطه 3- رساله در تحلیل 4- رساله در ترکیب 5- رساله در
اعتباریات 6- رساله در نبوات و منافات 7- سنن النبی صلی الله علیه و آله و
سلم

آثاری که در قم به رشته تحریر در آمده است: 1- تفسر المیزان 2- اصول
فلسفه 3- هاشیه کفایه الاصول 4- حاشیه بر کتاب اسفار ملاصدرا 5- وحی یا
شعور مرموز 6- دو رساله در ولایت و حکومت اسلامی 7- مصاحبه های سال
1338 با پروفسور کربن 8- مصاحبه های سال 39 و سال 40 با معظم در یک
جلسه 9- رساله در اعجاز 10- علی و الفلسفه الالهیه 11- شیعه در اسلام
12- قرآن در اسلام

جایگاه کتاب :

کتاب «قرآن در اسلام» تألیف علوم سید محمد حسین طباطبائی به کوشش سید هادی خسرو شاهی توسط مؤسسه بوستان کتاب منتشر شده است.

کتاب قرآن در اسلام از ریشه دارترین مدارکت آئین مقدس اسلام است. علامه در این نوشته کوتاه که در نوع خود کم نظیر است قرآن را در جنبه های مختلف بررسی کرده و دیدگاه های عقلی و منطقی آن را معرفی نموده است. موضوع این کتاب موقعیت قرآن مجید در جهان اسلام است، اینکه قرآن چیست؟ چه ارزشی برای مسلمانان دارد، کتابی است جمانی و همیشگی، وحی است آسمانی نه موارد فکر بشری و رابطه آن با دیگر علوم و اوصاف آن.

کتاب قرآن در اسلام به شبهات و پرسش های مطرح شود در زمینه آرای تشیع و آموزه های قرآن کریم، پاسخ هایی را ارائه داده است این اثر دینی در بردارنده عنوان های گوناگونی است که از آن میان می توان ارزش قرآن برای مسلمانان، قرآن به مثابه برنامه اساسی زندگانی بشری، قرآن سند دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، جهانی بودن قرآن، کامل و جامع بودن قرآن را نام برد. جاوید بودن قرآن، استقلال جذابیت قرآن، معانی ظاهری و باطنی قرآن چرا قرآن از راهی بیرونی و راهی درونی سخن می گوید؟ آیات محکم و متشابه قرآن، معانی محکم و متشابه از دیدگاه مفسران و علما، روش امامان اهل بیت در برخورد با آیات محکم و متشابه، تفسیر قرآن و معنای لغوی وحی، از دیگر مباحث این نوشتار به شمار می روند.

مزایا و محاسن کتاب :

با اشاره به انگیزه نگارش کتاب مزایای آن روشن می شود. استاد کنتر گراگ، مدیر مسئول بخش مطالعه ادیان در دانشگاه کولگیت در سفری به ایران همراه دکتر نصر خدمت استاد علامه طباطبائی می رسند و وی به ایشان اطلاع می دهد که در غرب هیچ منبعی معتبر درباره تشیع وجود ندارد و طبیعی دانشگاهها در تدریس عقاید شیعه در بخش ادیان به منابع غیر شیعی مراجعه می کنند استاد وقتی از اهمیت موضوع مطلع می شود به تألیف کتاب قرآن در اسلام و شیعه در اسلام می پردازد که هر دو کتاب به انگلیسی ترجمه شده است در دانشگاههای معتبر دنیا تدریس می شود طبق نوشته دکتر صدر این مجموعه جلد سومی هم داشت که شامل برگزیده ای از احادیث شیعه است.

قرآن در اسلام در کتاب فروشی های آسمان :

این کتاب به زبان آلمانی با عنوان QURAN im Der Islam ترجمه شده است.

این کتاب ارزشمند با همکاری و کم رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در برلین توسط انتشارات (m- haditec) م . هادتیک با هدف آشنایی خوانندگان آسمانی با دیدگاه های راستین تشیع درباره جنبه های گوناگون کلام الله فشرده کرد.

ساختار کتاب : گروه مخاطب این کتاب بطور تخصص طلاب و دانشجویان و عمومی است در مجموعه کتاب های علوم قرآنی است. این کتاب توسط

ناشرین مختلف از جمله دارالکتب اسلامیہ منتشر شده است این کتاب دارای فهرست اعلام، فهرست اماکن، فهرست آیات قرآنی، فهرست روایات می باشد همچنین دارای پنج بخش می باشد. شامل : ارزش قرآن مجید در میان مسلمانان، چگونگی تعلیم قرآن، وحی قرآن مجید، رابطه قرآن مجید با علوم، ترتیب نزول قرآن و انتشارش در میان مردم. پیش از مقدمه کتاب، بخشی با عنوان «زندگی من» آوراه شده است که شرح حال خود نوشت مرحوم علام در چهل و پنج سال پیش است این شرح حال توسط از سوی مؤلف تکمیل شده و در نخستین جمله از این مجموعه آورده شده است. این کتاب در 180 صفحه وزیری و شمارگان دو هزار نسخه از سوی انتشارات بوستان کتاب برای نخستین بار در سال 1386 اختشر شد.

تمجید از کتاب و مؤلف آن :

نویسنده کتاب در مقدمه، اهمیت و عمق آموزه های مطرح شده از سوی علامه طباطبائی را این چنین بیان می کند: تحلیل و بررسی عمق این نهضت علمی و شناخت دقیق شخصیت و ابعاد گونه گونه علامه طباطبائی، به گفته شهید مرتضی مطهری، شاید تا یک قرن دیگر هم امکان پذیر نباشد، چرا که متأسفانه در عصر ما، علوم طباطبائی به علت «حجاب معاصرت» ناشناخته مانند، گرچه علاوه بر تفسیر گرانسنگ "المیزان" آثار بسیار دیگری در زمینه های مختلف، از خود به یادگار گذاشت.

بخش اول : ارزش قرآن مجید در میان مسلمانان ؛

الف - قرآن مجید متضمن کلیات برنامه زندگی بشر است. زیرا آئین اسلام که مترادف هر آئین دیگری سعادت زندگی بشر را تأمین و تضمین می کند. خدای متعال در سوره اسراء آیه 9 و نحل آیه 89 قرآن را راهنما و تبیان معرفی می کند.

روش است که از قرآن مجید اصول عقاید دینی و فضایل اخلاقی و کلیات قوانین عملی در آیات بسیاری ذکر شده است.

بیان دیگر تفصیلی : با تأمل در چند مقدمه زیر من می توان معنای اشتغال قرآن مجید به برنامه زندگی بشر را دریافت

1- انسان در زندگی خود هرگز هدفی جز سعادت و خوش بختی و کام روایی خود ندارد. (خوشبختی و سعادت شکلی است از زندگی که، انسان آرزوی آن را داشته، شایسته آن است، مانند آزادی و رفاه و وسعت معاش و جز آنها)

2- فعالیت زندگی انسان هرگز بدون برنامه صورت نمی گیرد. پس در هر حال انسان در فعالیت های فردی و اجتماعی خود از داشتن هدفی گریز ندارد و از تعقیب هدف خود از راهی که مناسب آن است و به کار بستن مقرراتی که برنامه کار است هرگز مستغنی نیست. از نظر قرآن دین به راه و رسم زندگی اطلاق می شود حتی کسانی که اصلاً صانع را منکرند بدون دین نیستند. زیرا

زندگی انسان بدون داشتن راه و رسمی خواه از ناحیه نبوت وحی باشد یا از راه وضع و قرار داد بشری اصلاً صورت نمی گیرد.

3- بهترین و پابرجاترین راه و رسم زندگی آن است که آفرینش انسان به سوی آن هدایت کند نه، آنچه از عواطف و احساسات فرد یا جامعه سرچشمه گیرد اگر هر یک از اجزای آفرینش را مورد دقت و کنجکاوی قرار دهیم خواهیم دید که در هستی خود هدف و عنایتی دارد که نخستین روز آفرینش خود به سوی آن متوجه است.

مثلاً بوته ی گندم از همان روز نخستین پیدایش متوجه پیدایش یک بوته گندم دارای سنبل های متعدد می باشد. بنابر آنچه گذشت آفرینش ویژه انسان دهم چنین آفرینش جهان که انسان جزء غیر قابل تفکیک آن می باشد انسان را به سوی سعادت واقعی هدایت می کند که در آیات طه 50 ، اعلی 3 ، شمس 10 ، روم 30 ، آل عمران 19 و 85 محصل آیات فوق، این است که خدای متعال هر یک از آفریده های خود و از آن جمله انسان را به سوی سعادت و هدف آفرینش ویژه خواش از راه آفرینش خودش راهنمایی می فرماید.

مقتضای دین فطری (طبیعی) این است که تجهیزات وجودی انسان الغاء نشود و حق هر یک از آنها ادا شود و حبابات مختلف و متضاد مانند قوای گوناگون عاطفی و احساسی که درهیکل وی به ودیعه گذارده شده تعدیل شده به هر کدام از آنها تا اندازه ای که مزاحم حال دیگران نشود رخصت عمل داده شود

بالاخره در انسان عقل حکومت کند نه خواست نفس و نه غلبه عاطفه و احساس اگر چه مخالف عقل سلیم باشد. و در جامعه نیز حق و صلاح واقعی جماعت حکومت نماید نه هوا و هوس یک فرد توانای مستبد و نه خواسته اکثریت افراد اگر چه مغایر حق و خلاف مصلحت واقعی جامع باشد.

نتیجه گیری :

زمان حکم در تشریع تنها به دست خداست و خداست که علل و شرایط انجام یافتن آن را به وجود می آورد. گاهی علل و شرایط طوری است که پیدایش جبری چیزی را ایجاب می کند مانند حوادث طبیعی روزانه در این صورت اراده را «اراده تکوینی» می گویند و گاهی اقتضا می کند انسان عمل را از راه اختیار و آزادانه انجام دهد مانند خوردن و آشامیدن در این صورت اراده را «اراده تشریعی» می گویند.

پس از روشن شدن این مقدمات باید دانست که قرآن مجید با رعایت این مقدمات سه گانه یعنی با عطف نظر اینکه انسان از زندگی خود هدفی دارد. (سعادت زندگی) که باید در راه بدست آوردن آن در طول زندگی تلاش نماید و این فعالیت بدون برنامه نتیجه بخش نخواهد بود این برنامه دراز نیز از کتاب فطرت و آفرینش خواند و از تعلیم الهی فرا گرفت.

قرآن و شالوده برنامه زندگی انسان :

اساس برنامه خود را خداشناسی قرار داد و اعتقاد به یگانگی خدا را اولین اساس این شناخت و پس از شناساندن خدا معادشناسی را از آن نتیجه گرفت و پس از آن پیامبر شناسی را از معادشناسی نتیجه گرفت. زیرا پاداش اعمال نیک و بد بدون ابلاغ قبلی طاعت و معصیت و نیک و بد از راه وحی و نبوت ممکن نبود.

سه اصل : اعتقاد به یگانگی خدا و اعتقاد به نبوت و اعتقاد به معاد را اصول این اسلام شمرد.

پس از آن اصول اخلاق پسندیده مناسب اصول سه گانه را که یک انسان با ایمان باید واجد آنها باشد بیان مود و پس از آن اخلاق عملی که زاینده و پرورش دهنده اخلاق پسندیده و بالاتر از آن عامل رشد و ترفی اعتقادات حق و اصول اولیه می باشند تأمین و بیان داشت.

خلاصه ، قرآن مجید به ریشه های اصلی اسلام که سه بخش کلی را تشکیل می دهد مشتمل است بدین ترتیب :

1- اصول عقاید اسلامی که نوعی از آن اصول سه گانه دین است توحید و نبوت و معاد و نوعی عقاید متنوع بر آنها، مانند لوح و قلم و قضاء و قدر و ملائکه و عرش و کرسی و خلقت آسمان وزین و نظایر آنها

2- اخلاق پسندیده

3- احکام شرعیه و قوانین عملی که قرآن کریم کلیات آن را بیان فرموده و تفصیل و جزئیات آنها را به بیان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم واگذار نموده است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به موجب حدیث ثقلین که هر فرق اسلامی به نحو تواتر نقل کرده اند بیان اهل بیت خود را قائم مقام و جایگزین بیان خود قرار داده است.

قرآن مجید سند نبوت است :

در آخر بخش اول تأیید می فرماید که قرآن مجید سند نبوت است. قرآن مجید تصریح می کند که کلام خداست. یعنی با همی الفاظ خود از مقام ربوبی صادر شده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز آن را با همان الفاظ تلقی نموده است.

اراده اثبات اینکه قرآن کلام بشری نسبت در لابلای آیات کریمه به مقام تعدی برآمده است و قرآن مجید را از هر جهت معجزه شمرده و ماوراء قدرت و توانایی بشر دانسته است. آیات دعوت به تحدی طور آیه 33 و 34 - اسراء 88 - هود 13 - یونس 38 - بقره 23 می باشد.

باز در آیه 82 نساء از راه نداشتن اختلاف و تضاد تحدی فرموده است.

زیرا همه چیز در این جهان مشمول قانون تحول و تکامل است و از تضاد اجزاء و احوال خالی نمی باشد و اگر قرآن کار بشر بود در ظرف بیست و سه سال

قطعه قطعه ساخته می شد از اختلاف اوصاف و احوال سالم نمی ماند و این طور یکنواخت نبود.

بخش دوم :

چگونگی تعلیم قرآن :

الف - قرآن مجید کتابی است جهانی :

قرآن در مطالب خود اختصاص به امتی از امم مانند امت عرب یا طایفه ای از طوایف مانند مسلمانان ندارد بلکه با طوایف خارج از اسلام سخن می گوید چنان که با مسلمانان می گوید. هم چنین قرآن مجید با هر یک از طوایف به احتجاج و دعوت می پردازد هرگز خطاب خود را مقید به عرب بودن آنان نمی کند در بدو طلوع اسلام که دعوت از جزیره العرب به بیرون تجاوز نکرده بود

طبعاً خطاب قرآنی به امت عرب القا می شد ولی از سال ششم هجرت که دعوت به بیرون شبه جزیره را یافت هیچ موجبی برای توهّم اختصاص نبود. "ان هو الا ذکره للعالمین" [1] نسبت قرآن مگر یاد آوری برای هر جهانیان

ب - قرآن مجید کتابی است کامل :

قرآن مجید مشتمل است به هدف کامل انسانیت و آن را به کامل ترین وجهی بیان می کند زیرا هدف انسانیت که باواقع بینی سرشته شده جهان بینی کامل و بکار بستن اصول اخلاقی و قوانین عملی است که مناسب و لازمه همان جهان بینی باشد و قرآن مجید تشریح کامل این مقصد را به عهده دارد.

بعد از ذکر چندین آیه به طور جامع می فرماید. (نحل آیه 89) ...

و تدریجاً فرو فروستادیم به سوی تو این کتاب را در حالی که بیان کننده هر چیزی است. قرآن مجید همه مقاصد کتب آسمانی را مشتمل است و زیاده و این که هر چیزی که بشر در پیشاپیش راه سعادت و خوش بختی از اعتقاد و عمل به آن نیازمند می باشد در این کتاب بطور تمام و کامل بیان شده است.

ج - قرآن مجید کتابی است همیشگی :

بحث گذشته در اثبات این مدعا کافی می باشد زیرا بیانی که نسبت به یک مقصد و مطلب بطور مطلق تام و کامل باشد اعتبار و حتمش محدود به وقت و

مخصوص به زمان معین نخواهد بود و قرآن مجید بیان خود را تام و کامل می داند و ماوراء کمال چیزی نیست. و همچنین معارف عملی که بیان داشته نتایج و موالید واقعی همان حقایق ثانیه است و چنین چیزی بطلان پذیر و به مرور زمان قابل نسخ نیست. بحث های زیادی از ابدیت احکام قرآنی کرده نشده که از موضوع بحث این کتاب بیرون است. (فصلت ، 42)

د- قرآن مجید در دلالت خود مستقل است :

قرآن مجید از نسخ کلام است و هرگز در دلالت خود گنگ نیست زیرا هر کس به لغت آشنایی رشته باشد از جملات آیات کریمه معنای آنها را آشکارا می فهمد. علاوه بر آن به آیاتی بر می خوریم که در آنها طایفه خاصی مانند بنی اسرائیل مورد خطاب قرار داده مقاصد خود را به ایشان القا می کند یا به مقام تحدی بر آمده و بدیهی است که تکلم با مردم با الفاظی که خاصیت تفهیم را واجد نیست معنا ندارد و همچنین تکلیف مردم به آوردن مثل چیزی که قضای محصلی از آن فهمیده نمی شود قابل قبول نیست. (نساء آیه 82) ...

نکته بدیهی این است که اگر آیات در معانی خودشان ظهوری نداشتند تأمل و تدبر در آنها و هم چنین حل اختلافات صوری آنها به واسطه تأمل و تدبر معنا نداشت. راجع به نفی حبیت ظواهر قرآن دلیلی از خارج نیست زیرا چنین دلیلی وجود ندارد. جز اینکه برخی گفته اند در تضمیم مرادات قرآن به بیان تنها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یا به بیان آن حضرت و اهل بیت گرامش باید رجوع کرد.

که این سخن قابل قبول نیست زیرا صحبت بیان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام اهل بیت را تازه از قرآن باید استخراج کرد بنابراین چگونه متصور است که حجت دلالت قرآن به بیان ایشان متوقف باشد. بلکه باید در اثبات اصل رسالت و امامت باید به دامن قرآن که سند نبوت است چنگ زد.

البته آنچه گفته شد منافات ندارد با این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اهل بیت عهده دار بیان جزئیات قوانین و تفصیل احکام شریعت - که از ظواهر قرآن به دست نمی آید - بوده اند سمت معلمی معارف کتاب را داشته اند. اشتهاد آیات نمل 44 - حشر 7 - نساء 64 - در سوره جمعه پیامبر را مبین جزئیات و تفصیل شریعت و معلم قرآن مجید می باشد.

هـ) قرآن مجید ظاهر و باطن دارد.

خدای متعال در کلام خود می فرماید جمعه 2 خدا را پرستید و هیچ چیزی را در عبادت شریک او قرار مدهید ظاهر کلام نهی از پرستش معمول بت هاست. ولی با تأمل و تحلیل معلوم می شود که پرستش بت ها برای این ممنوع است که خضوع و فروتنی در برابر غیر خداست و بت بردن معبود نیز خصوصیتی ندارد.

در طاعت انسان میان خود و غیر فرقی نیست چنانکه نباید از غیر طاعت کرد از خواست های نفس در برابر خدای متعال نباید اطاعت و پیروی نمود. (یس آیه 60)

اصلاً به غیر خدای متعال نباید التفات کرد از وی غفلت نمود. از ظاهر آیه "ولاتشركوا" به شیئا ابتدائاً" فهمیده می شد که این نباید بت ها را پرستش نمود با نظری وسیع تر این که انسان از دیگران به غیر اذن خدا پرتش نکند و با نظری وسیع تر انسان حتی از دلخواه خود نباید پیروی کند و با نظر وسیع تر آن اینکه نباید از خدا غفلت کرد و به غیر خدا التفات داشت.

در حدیث معروفی از پیامبر اثر دو کتب حدیث و تفسیر نقل شده "ان القران ظهراً و بطناً و لبطنه بطناً الی لبعه البطن"

و - چرا قرآن مجید از دو راه ظاهر و باطن سخن گفته ؟

انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است که همه فعالیت های زندگی را روی ماده انجام می دهد ولی مفاهیم معنوی در انسانهای مختلف متفاوت می باشد در هر حال هرچه توانایی فهمی در درک معنویات بیشتر باشد همین نسبت تعلقش به جهان ماده و مظاهر فریبنده اش کمتر و هم چنین هر چه تعلق کمتر توانایی درک معنویات بیشتر می باشد با این وصف افراد انسان با طبیعت انسانی که داند همگی استعداد این درک را دارند اما از طرف دیگر معلومات هم مراتب دارد نمی توان معلومات را به مرتبه ای که تحمل ندارد تحمیل کرد. مخصوصاً معنویاتی که سطح شان تجاوز نیم کند تحمیل شود مکبی ناقض غرض خواهد بود پس باید اسرار ماوراء طبیعت و ماده را به پای بندگان عالم ماده در پس پرده گفت.

اسلام هیچ گونه محرومیتی در مزایای مذهبی برای کسی قائل نیست. لازمه آن است که معارف عالیّه معنویه را با زبان ساده عمومی بیان شود. و ظواهر الفاظ مطالب و وظایف از نسخ حس و محسوس القا نماید و معنویات در پشت پرده ظواهر قرار گرفته و از پشت این پرده خود را فرا خور حال افهام مختلفه به آنها نشان دهد و هر کس فراخور حال خود بهره مند شود.

در تایی این سخن : پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث معروف می فرمایند: "اَنَا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ نَكَلِمَ عَلَى قَدَرِ عَقُولِهِ" ما گردهای پیغمبران با مردم به اندازه عقل هایشان سخن می گویند.

ز- قرآن مجید محکم و متشابه دارد.

در آیه " كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ" [2] قرآن را کتابی معرفی می کند که آیاتش محکم است البته مراد از آن استوار و غیر قابل خلل بودن قرآن است و آیه "اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا" [3] همه قرآن را متشابه می شمارد البته مراد از آن یک نواخت بودن آیات در زیبایی اسلوب و قدرت خارق العاده بیان است. اما در آیه 7 آل عمران قرآن را به دو قسم محکم و متشابه تقسیم می کند. که از اطراف کلام اینطور بر می آید که :

ح) معنای محکم و متشابه پیش مفسرین :

نظر مفسرین از صدر اول تا کنون این است که محکّمات آیاتی هستند که معنای مراد آنها روشن است و آیات متشابه آیاتی هستند که ظاهرشان مراد

نیست و مراد واقعی آنها را که تأویل آنهاست جز خدای نداند و بشر را راهی به آن نیست. به این گونه آیات باید ایمان آورد ولی از پیروی و عمل به آنها توقف و خودداری نمود.

این قول اهل سنت است و مشهور در بین شیعه همین قول است جز اینکه اینان معتقدند که تأویل آیات متشابهه را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اهل بیت علیه السلام نیز می دانند.

این قول با اینکه عملاً میان مفسرین مورد اعتماد است از چند جهت به متن آیه 7 آل عمران "هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ ... " و به اسلوب دلالت سایر آیات قرآنی انطباق ندارد. زیرا

اولاً: قرآن خود را نور و هادی و بیان معرفی می کند که هرگز با لنگ بودن آیاتش از بیان مراد واقعی خود سازش ندارد.

گذشته از این قرآن دعوت به تدبر می کند "أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ ... "[4] لازمه تدبر در قرآن فهم آن می باشد.

ممکن است گفته شود که مراد از آیات متشابه حروف مقطعه است که راهی برای تشخیص مراد واقعی آنها نیست. بعضی گفته اند در تأویل متشابه، یهود می خواستند از حروف مقطعه مدت بقاء و دوام اسلام را به دست آورند که پی در پی خواندن این سور حساب ایشان را مختل ساخت. در تشابه بودن حروف مقطعه این قصه هم بی وجه می باشد. در قرآن برای استیضاح معنای آیات

متشابهه آنها را به سوی محکمت رد کنند و به معونه محکمت مراد واقعی آنها را بیابند. بنابراین در قرآن آیه ای که هیچ گونه دسترسی به مراد واقعی آن نباشد نداریم و آیات قرآن یا بلا واسطه محکمند مانند خود محکمت یا با واسطه محکمند مانند تشابهات و اما حروف مقطعه فواتح دور اصلاً مدلول لفظی لغوی ندارند و بدین سبب از مقسم محکم و متشابه بیرونند.

به روایاتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام و امام ششم اشاره می کند که برخی از قوآن بر برخی دیگر شهادت می دهد و برخی از آن به سبب برخی دیگر منطبق می آید.

ی- قرآن مجید دارای تأویل و تنزیل می باشد :

لفظ تأویل قرآن در سه آیه آمده است. تأویل از حکمه "اول" به معنای رجوع است و مراد از "تاویل" آن چیزی است که آیه به سوی آن برمی گردد و مراد از تنزیل در مقابل تاویل معنای روشن و تحت اللفظ آیه می باشد.

یا - معنای تأویل پیش مفسرین و علما

در معنای تاویل بیشتر از ده قول نقل شده اما دو قول مشهورتر می باشد.

1- قدما تأویل را با تفسیر مرادف می گرفتند.

2- قول متأخرین که تأویل "معنای خلاف ظاهری است و همه آیات قرآن تأویل ندارد بلکه فقط آیات متشابهه دارای تأویل و معنای خلاف ظاهر است

آیاتی که تجسم و آمدن و نشتن و رضا و سخط و تأسف و سایر لوازم مادیت را به خدا نسبت می دهند و آیاتی که نسبت معصیت به فرستادگان خدا و پیامبران معصوم می دهند.

تأویل آیات قرآنی در مخاصمه های کلامی یعنی صرف کلام از ظاهرش و حمل آن برخلاف ظاهر به واسطه دلیل به نام تأویل ، روشی دائر گردیده که خود این روش خانی از تناقض نیست.

این قول نیز با این که شرت به سزایی دارد درست نیست و با آیات قرآنی منطبق نمی شود زیرا :

اولاً : آیه سوره اعراب "هل ينظرون الا تأويله" و آیه سوره یونس ظاهرند در این که همه قرآن تأویل دارد نه تنها آیات متشابه چنان که بنای این قول بر آن است.

ثانیاً : لازمه این قول است که آیاتی وجود داشته باشد که مدلول حقیقی آن برای مردم مجهول باشد و جز خدا کسی بر آن واقف نباشد که با بلاغت قرآن و دعوت به تحدی سازگار نیست.

ثالثاً : در میان آیات قوآن اختلافی نیست یکی ار دلایلی که قرآن کلام بشر نیست. اگر بنا شود تعدادی از آیات به نام تشابهات با محکمتات اختلاف داشته باشد و رفع اختلاف به این نحو باشد که بگوئیم ظواهر آنها مراد نیست بلکه

مراد یک معانی دیگر است که جز خدا کسی از آنها واقف نیست این گونه رفع اختلاف هرگز دلالت بر این که قرآن کلام بشر نیست ندارد.

رابعاً: اصلاً دلیلی بر این مراد از تاویل در آیه محکم و متشابه معنای خلاف ظاهر است وجود ندارد مثلاً در سه جا از قصه یوسف تعبیر خواب "تاویل" نامیده شده و بدیهی است که تعبیر خواب معنای خلاف ظاهر خواب نیست بلکه حقیقی است خارجی عینی که در خواب به صورت مخصوصی دیده می شود.

تأویل یعنی حقیقت کار و منظور واقعی آن که به صورت کار ظهور کرده و به منزله روح کار است. (جه روشن شدن معنا چند مثال می زند از جمله داستان خضر و موسی علیه السلام

یب - معنای تأویل در عرف قرآن چیست؟

تأویل هر چیزی حقیقتی است که آن چیز از آن سرچشمه می گیرد و آن چیز به نحوی تحقق دهنده و حامل و نشانه اوست چنان که صاحب تأویل زنده تأویل است و ظهور تأویل با صاحب تأویل است.

پس تأویل قرآن حقیقت یا حقایقی است که درام الکتاب پیش خداست و از مختصات غیب می باشد.

با استفاده به آیات 75-80 سوره واقعه برای قرآن دو مقام اثبات می کند:

1- مقام کتاب تنزیل که برای مردم قابل فهم می باشد.

2- مقام تنزیل که برای مردم قابل فهم می باشد.

با استفاد به آیه تطهیر و به موجب اخبار متواتره در حق اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و نازل شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان رسالت از پاک شرمّان و به تأویل قرآن عالمند.

یج - قرآن مجید ناسخ و منسوخ دارد :

در میان آیات احکام که در قرآن است آیاتی که پس از نزول جای حکم آیاتی را که قبلاً نازل شده و مورد عمل بوده اند گرفته به زمان اعتبار حکم قبلی خاتمه می دهد آیات قبلی منسوخ و آیات بعدی که در حکم خود حکومت بر آنها داند ناسخ نامیده می شوند.

مانند برخورد مسالمت آمیز با یهودیان در صدر اسلام (بقره - 103) که پس از چندی آیه قتال آمد (توبه - 29) و به حکم مسالمت آمیز خاتمه داد.

ید - جری و انطباق قرآن مجید :

نظر به این که قرآن مجید کتابی است همگانی و همیشگی بنابراین هرگز مورد نزول آیه ای مخصص آن آیه نخواهد بود یعنی آیه ای که درباره شخص یا اشخاص معین نازل شده در مورد نزول خود منجمه نشده به هر موردی که در

صفات و خصوصیات یا مورد نزول آیه شرک است سرایت خواهد نمود که در عرف روایات «جری» نامیده می شود.

یه - تفسیر الفاظ قرآن مجید و پیدایش سیر آن :

تفسیر و بیان الفاظ قرآن از عصر نزول شروع شده و شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به تعلیم قرآن و بیان معانی و مقاصد آیات آن می پرداخته است.

در زمان آن حضرت به اروی جمعی به قرائت و ضبط و حفظ قرآن اشتغال داشتند که قرآء نامیده می شدند پس از رحلت ایشان صحابه و پس از ایشان سایر مسلمانان به تفسیر اشتغال داشتند.

یو - علم تفسیر و طبقات مفسرین (اهل سنت)

بعد از رحلت پیامبر جمعی از صحابه مانند ابن مسعود و ابی بن کعب و از همه معروفتر ابن عباس به تفسیر اشتغال داشتند. و در تفسیرشان روایت مسند را نقل می کردند این روایات دویست و چهل و چند حدیثند که سند بسیاری ضعیف و متن برخی از آنها منکر است. گاهی تفسیر آیات را در صورت اظهار نظر بی اینکه به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اسناد دهند القا می کردند. متأخرین اهل سنت این قسم را نیز جزو روایات نبوی در تفسیر می شمارند. ولی دلیل قاطع براین سخن نیست، مقدار زیادی از این روایات در اسباب نزول

آیات و قصص تاریخی آنها وارد شده و هم چنین در میان این روایات بسیاری از سخنان علمای یهود که مسلمان شده بودند یافت می شود.

پس طبقه اول - صحابی

طبقه دوم - تابعین هستند که شاگردان صحابه می باشند. مانند مجاهد و سعید بن جبیر و ...

طبقه سوم - شاگردان طبقه دوم می باشند مانند ربیع ابن انس و عبدالرحمن بن زید بن اسلم

طبقه چهارم - اولین مؤلفین تفسیر است مانند سفیان بن عیینه و وکیع بن جراح

طبقه پنجم - کسانی هستند که روایات را با حذف اسناد در تألیفات خود درج کردند. بعضی گفته اند اختلال نظم تفسیر از همین جا شروع شد.

طبقه ششم - مفسرینی هستند که پس از پیدایش علوم مختلفه و از راه رفتن مخصوص خود به تفسیر پرداختند. نحوی از راه نحو مانند زجاج، بیانی از راه بلاغت و فصاحت مانند زمخشری در کشاف، متکلم از راه کلام مانند فخر رازی در تفسیر کبیر، عارف از راه عرفان مانند ابن عربی، اخباری از راه نقل اخبار مانند ثعلبی و فقیه از راه فقه مانند قرطبی و جمعی هم مختلط از علوم متفرقه نوشتند مانند تفسیر روح البیان ... تفسیر در این مرحله از حالت جمود بیرون آمد.

یز - روش مفسرین شیعه و طبقات شان :

شیعه به سخن قرآن قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را در تفسیر آیات حجت می داند و برای اقوال صحابه و تابعین مانند سایر مسلمین هیچ گونه جمعیتی قائل نیست مگر از راه روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جز این که به نفس جز متواتر ثقلین قول عترت و اهل بیت را تالی قول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مانند آن حجت می داند.

طبقه اول - کسانی که روایات را از پیامبر و ائمه اهل بیت فرا گرفته اند. مانند زرار و ...

طبقه دوم - اهل تألیفات اولی تفسیر مانند فرات ابن ابراهیم و ... روایات را با این درج می کردند.

طبقه سوم - طبقه ارباب علوم متفرقه است مانند سیدرضی در تفسیر ادبی خود و شیخ طوسی در تفسیر کلامی و تفاسیر دیگر مانند نورالثقلین - برهان - صافی - مجمع البیان

یح - قرآن خود چگونه تفسیر می پذیرد؟

قرآن کتاب همگانی و همیشگی است و با همه به مقام تحدی می آید و خود را نور و روشن کننده و بیان کننده همه چیز معرفی می کند و البته چنین چیزی در روشن شدن خود نباید نیازمند دیگران باشد. قرآن کلامی است که

در آن اختلاف نیست و هر گونه اختلاف بواسطه تدبر در خود قرآن حل می شود چنین کلامی ، کلام خداست.

قرآن در فهم خود نیازمند چیزی نیست و قرآن به بیان تفسیر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به بیان اهل بیت خود محبت می دهد.

نتیجه اینکه در قرآن برخی آیات با برخی دیگر تفسیر شود و موقعیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت موقعیت معلمین معصومی می باشند که در تعلیم خود هرگز خطا نکنند. تفسیر قرآن به قرآن با تأکید نظری و عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت نیز همراه بوده است.

ک - تفسیر قرآن به قرآن :

سپس در ادامه نمونه ای از تفسیر قرآن به قرآن را ذکر می نماید و با شاهد آوردن آیه ای برای آیه دیگر معنا و مفهوم آیه را توضیح می دهد و نکات زیادی را نتیجه گیری می کند که در واقع با کنار هم قرار دادن این آیات بدست آمده است. (بدلیل مفصل بودن آیه مذکور بیان نمی گردد).

کا - معنای بحجبت بیان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیه السلام

به دلالت خود قرآن بیان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت گرامیش در تفسیر آیات قرآنی حجتیت دارد. این حجتیت در قول شفاهی و صریح پیامبر و ائمه اهل بیت و هم چنین در اخبار قطعیہ الصدور که بیان ایشان را حکایت می کند. ولی خبر غیر قطعی که در اصطلاح خبر واحد نامیده می شود حجتیت آن در میان مسلمین مورد خلاف است. اهل سنت نوعاً به خبر واحد که در اصطلاح صحیح نامیده می شود مطلقاً عمل می کنند و در میان شیعه خبر واحد موثوق الصدور در احکام شرعی حجت است و در غیر آن اعتبار ندارد.

بخش سوم : وحی قرآن مجید

الف) اعتقاد عمومی مسلمانان در وحی قرآن

عقیده عمومی مسلمین درباره وحی قرآن این است که قرآن مجید به لفظ خود سخن خداست که بوسیله یکی از مقربین ملائکه بنام جبرئیل و روح امین است تدریجاً در مدت بیست و سه سال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرستاده شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم کمترین دخل و تصرفی در لفظ ندارد.

ب - نظر نویسندگان امروز درباره وحی و نبوت

غالب نویسندگان امروز که در ادیان و مذاهب به کنجکاوی می پردازند نظر ایشان در توجیه و تقریر وحی و نبوت قرآنی این است که :

پیامبر را یک نابغه اجتماعی می دانند که هرج و مرج و توحش و غارتگری در جامعه باعث آزار دو می شد و مدتی را در غاری بر سر می برد و پدیده های طبیعی مانند آسمان و ستارگان و ... خیره می شد و از این همه غفلت که دامن گیر انسان شده بود و او را تا حد چرخاندگان تبدیل کرده بود افسوس می خورد تا اینکه در حدود چهل سالگی موفق شد طراحی بریزد و بشر را از این وضع نجات دهد. پیامبر افکار پاک خود را سخن خدا و وحی الهی فرض کرد که خدا از راه نهاد او باوی گفت و گو می کند و روان پاک خود را که این افکار از آن تراوش کرده بود روح امین و جبرئیل فرشته وحی نامید و قوای طبیعی که به سوی خر دعوت می کرد ملائکه و فرشتگان و قوایی که به سوی شر و بدبختی می خواند شیطان و جن خواند و وظیفه خود را به مقتضای ندان وجدان رسالت نام گذاشت. و چون پیامبران مردان مصلحت طبی بودند مقرراتی برای اصلاح جامع بشری به شکل دین آوردند و بدلیل جهالت مردم و خرافه پرستی عقاید به ثواب و عقاب و بهشت و دوزخ را سیاست دینی و در حقیقت از باب دروغ مصلحت آمیز می دانند.

ج - قرآن مجید در این باره چه می گوید؟

دانشمندانی که به واسطه اشتغال به علوم مادی و طبیعی همه چیز را در جهان هستی در انحصار قوانین طبیعی می دانند از این رو قهراً ادیان آسمانی را پدیده های اجتماعی خواهند دانست ما فعلاً در صدد اثبات جهان ماورای

الطبیعه سیستم و نیز به این دانشمندان نمی گوئیم که هر علمی تنها در اطراف موضوع خود می تواند نظر دهد.

آنچه می گوئیم باید با بیانات قرآن مجید که سند نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است و ریشه اصلی همه این سخنان در آن است وفق دهد و تطبیق پذیرد ولی صریح قرآن بر خلاف این توجیه دلالت دارد و اینک ما یکی یکی از اجزای این توجیه را با آیات قرآنی می سنجیم؛

1- سخن خدا :

قرآن مجید صریحاً در آیات تحدی و نسبت خود را با لفظه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و از هر بشر دیگر به کلی نفی می کند می گوید اگر سخن بشر است سخنی همانند آن در هر بابی که قرآن سخن گفته بیاورند. می گوید اگر می گوید قرآن سخن محمد است از کس دیگر که در مشخصات زندگی مانند اوست یتیم، تربیت ندیده، درس نخوانده، نوشتن یاد نگرفته در محیط تاریک مانند جاهلیت بزرگ شده مانند این سوره یا سوره ای بیاورید.

می گوید: چرا در آیات قرآنی که در مدت بیست و سه سال نزول هیچ گونه تغییر و اختلافی پیدا نکرده تدبر نمی کنند؟ گذشته از این قرآن در صدها آیه معجزاتی خارق عادت که با نظام عادی طبیعت قابل توجیه نیست اثبات می کند که پیامبران به واسطه آنها نبوت خود را اثبات می کرده اند.

2- روح امین و جبرئیل

قرآن القاء کننده آیات را جبرئیل می نامد.

خداوند متعال می فرماید: "قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِئِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ" [5] «بگو کسی که دشمن جبرئیل است همان جبرئیل قرآن را به اذن خدا به دل تو نازل کرده - نه بی اذن و از پیش خود.

"نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ" [6] «قرآن را روح امین به قلب تو نازل کرده است. مراد از روح امین همان جبرئیل می باشد.

جبرئیل از مقربان نزدیک خدا و دارای نیروی عظیم و منزلت و فرمانروا و امین می باشد.

3- ملائکه و شیاطین

قرآن ملائکه و شیاطین را یک عده موجودات بیرون از حس و دارای وجود و شعور و اراده مستقل می داند.

4- جن

نظایر آیاتی که درباره ملائکه و شیاطین ذکر شده بیشتر و روشن تر درباره جن نیز هست. به مقتضای آیه 18 ، احقاف جن نیز مانند انسان امت های مختلف و تکالیف و مرگ و میر دارند. جن نیز مانند یک گروه دارای وجود مستقل و شعور و اراده و تکلیف می باشند.

5- ندای وجدان به دعوت

خدای متعال می فرماید: "وَنَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا" [7]

سوگند به نفس و کسی که او را درست کرد پس الهام نمود به او بزه کاری و پرهیزکاری او را.

به دلالت آیه هر فرد از انسان با وجدان و نهاد خدادادی خود نیک و بد و زشت و زیبای اعمال خود را درک می کند و ندای اصلاحات و در درون هر انسان نهفته است جز اینکه برخی گوش داده رستگار می شوند و برخی اعتنا نکرده به سوی بدبختی قدم بر می دارند.

اگر نبوت و رسالت اثر همین ندای وجدان بود که عمومیت دارد همه افراد نبوت و رسالت را داشتند و حال آن که خدای متعال این منصب را به برخی از افراد تخصیص می هد. "اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ" [8]

6- در اطراف توجیه دوم

طبق توجیه دوم اصول اعتقادی که پیامبران به مردم تلقین کرده اند یک رشته اعتقادات خرافی است که از باب سیاست دینی به مردم آن زمان که از علم و فرهنگ عاری بودند تحیل شده . اگر داستان اعتقادات دینی خرافی بود این همه براهین و ادله که در قرآن کریم به اعتقادات اسلامی اقامه شده برای اثبات صانع عالم و توحید و سایر صفات وی و سایر اعتقادات راجع به نبوت و معاد شده هرگز معنا نداشت.

د - قرآن خود در معنای وحی و نبوت چه می گوید؟

آنچه که از قرآن به دست می آید این است که این کتاب آسمانی از راه وحی به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شده به دست آمده است و وحی یک نوع تکلم آسمانی (غیر مادی) است که از راه حسن و تفکر عقلی درک نمی شود بلکه با درک و شعور دیگری است برای روشن شدن این مطلب به بیان مقدماتی ناگزیریم.

1- **نوع های گوناگون زندگی :** نوع های گوناگون در این جهان مشهود است اعم از جاندار و غیرجاندار در وجود و پیدایش خود عنایت و هدفی دارد.

2- **امتیاز انسان در پیمودن راه زندگی :** امتیازی که انسان نسبت به دیگران دارد این است که انسان با عقل و خرد مجهز است.

3- **نوع انسان به چه معنا اجتماعی است؟** نوع انسان پیوسته در حال اجتماع و دسته جمعی زندگی می کرده و افراد دست به دست هم دیگر داده با تعاول به رفع حوائج می پردازند آیا انسان که منفعت طلب مبی باشد و هر چه پیدا می کند در راه منافع خود استخدام می کند وقتی به هم نوعان خود رسید احترام گذاشته و رویه ای دیگر پیش می گیرد و در راه منافع دیگران از بخشی از منافع خود چشم خواهد پوشید؟ نه هرگز ولی انسان بدلیل اضطرار به تقاون اجتماعی تن می دهد و تعدادی از منافع کار خود را برای رفع نیازمندی دیگران می دهد و در مقابل آن مقداری که برای رفع نیازمندیهای خود لازم دارد از منافع کار دیگران دریافت می کند در نتیجه افراد مانند تار و پود جامه به هم بافته شده یک واحد اجتماعی را تشکیل می دهند.

4- بروز اخلاف و لزوم قانون

اگر چه انسان اضطراراً در مقام برخورد با هم نوعان خود اجتماع تعاونی را پذیرفته ولی در اثر برخورد منافع افراد همین اجتماع که برای اصلاح و رفع اختلاف به وجود آمده بود اولین سبب بروز فساد و اختلاف می شود این جاست که نیاز به یک سلسله مفررات مشترک میان مجتمعی و مورد احترام می باشد و قوانینی باید ایجاد شود که با جریان آن اجتماع از متلاشی شدن و منافع افراد از ضایع شدن محفوظ بماند و دستگاه آفرینش که هدایت انواع به سوی هدف و سعادتشان جزء برنامه اوست انسان را نیز به سوی قانونی که سعادت جامعه را تضمین می کند هدایت نماید. (عبس 19-20)

5- در هدایت انسان به سوی قانون عقل کفایت نمی کند.

این هدایت به هر وسیله و به سوی هرچه باشد کار دستگاه آفرینش خواهد بود. هدایت به سوی قانونی که رافع اختلاف باشد کار عقل نیست و گرنه این همه تخلفات نسبت به قوانین جاریه اتفاق می افتد و گناه شمرده می شود همه از کسانی سر می زند که دارای عقلند و گرنه گناه محسوب نمی شد.

6- تنها راه برای هدایت انسان راه وحی است.

انسان مانند سایر انواع آفرینش در زندگی خود هدف سعادت دارد و از لحاظ ساختمان وجودی نیاز به زندگی اجتماعی دارد و برای اینکه سعادت عادلانه در جامعه تضمین شود نیازمند قانون مشترک است و عقل انسانی برای هدایت

انسان به سوی قانون کافی نیست. زیرا در همه حال به رعایت مقاون عمومی و عدالت اجتماعی سوی قانون کافی نیست. زیرا در همه حال به رعایت تعاون عمومی و عدالت اجتماعی سوی قانون کافی نیست زیرا در همه حال به رعایت تعاون عمومی و عدالت اجتماعی حکم نمی کند پس می توان نتیجه گرفت که برای هدایت انسان باید راهی غیر راه عقل باشد که برخی از افراد انسان بنام پیامبران و فرستادگان خدا از آن سخن گفته و آن را به نام وحی آسمانی نامیده اند.

ویژگی دین آسمانی :

اولاً : دین اسمانی مانند قوانین بشری مراقبان خصوصی نسبت به ظواهر اعمال مردم دارد.

ثانیاً : از راه وضع فریضه امر به معروف و نهی از منکر همه مردم را بی استثنا مراقب اعمال همدیگر و نگهبان قانون قرار داده و

ثانیاً : جزء عقاید دینی است که اعمال مردم از نیک و بد ، ضبط و حفظ و برای روز باز خواست بایگانی می شود و

رابعاً : بالاتر از هم اینها خدای جهان و جهانیان به انسان و عمل وی محیط و در همه حال و در هر جا حاضر و ناظر است.

7- راه وحی از خطا مصون است.

راه وحی و تعلیم برنام زندگی انسان از این راه جزء برنامه آفرینش می باشد و روشن شد که تکوین و آفرینش هرگز در کار خود خطا نمی کند پس مواد دین آسمانی که از راه وحی به مردم تعلیم می شود و در طول این صافت دچار هیچ گونه خطا و اشتباهی نخواهد بود و از این جاست که پیغمبران و فرستادگان خدا باید معصوم باشند یعنی هم در فراگرفتن تعلیمات وحی از عالم بالا و هم در نگهداری آنچه فرا گرفته اند و هم در تبلیغ آنچه فرا گرفته و نگهداشته اند از خطا و معصیت مصون باشند زیرا اینان در دستگاه آفرینش در هدایت عمدی که می کند وسیله کارند.

8- حقیقت وحی برای ما مجهول است.

تلقی وحی درک پاک می خواهد که از هر گونه پلیدی و آلودگی مصون باشد افراد انسان در استقامت و اعتدال ادراک و صفای روح و خلاف این صفات به غایت مختلفند باید گفت این موهبت تنها در برخی از افراد به ندرت تحقق می پذیرد که قرآن جمعی را بنام پیامبران و فرستادگان خدا یاد می کند ولی از ذکر شماره و نام همه شان خودداری می کند. ما که این موهبت را نچشیده ایم حقیقت آن برای ما مجهول است.

9- کیفیت وحی قرآن مجید

در سوره شوری آیه 51-52 اقسام تکلیف خدا را ذکر کرده :

- 1- گفتار خدایی که هیچ واسطه ای میان خدا و بشر نباشد.
- 2- گفتار خدایی که از پشت حجاب شنیده شود مانند شجره طور که موسی سخن خدا را می شنید ولی از ناحیه آن .
- 3- گفتار خدایی که ملکی آن را حمل می کند در این صورت سخن فرشته وحی شنیده می شود قرآن از همین راه به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسیده است.

بخش چهارم : رابطه قرآن مجید با علوم

الف - تجلیل قرآن مجید از علم و ترغیب در تحصیل آن

قرآن مجید در صدها آیه به طرق مختلفه نام علم و دانش را به میان آورده و در بیشتر آنها در مقام بزرگداشت آن می باشد. خداوند در مقام منت گذاری انسان می فرماید: "عَلِّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ" [9] به انسان چیزی را که نمی دانست یاد داد.

ب - علمی که قرآن مجید به تعلیم آنها دعوت می کند.

قرآن به تفکر در آیات آسمان و ستارگان درخشان و اختلافات عجیبی که در اوضاع آنها پدید می آید، به تفکر در آفرینش زمین و دریاها و کوه ها و بیابان ها و اختلافات شب و روز و تبدلات فصول تعویض و ترغیب می کند و

به تفکر در آفرینش شگفت آور نبات، به تفکر در خلفت خود انسان دعوت می کن بدین ترتیب به تعلیم علو مطبوعی و ریاضی و فلسفی و فنون ادبی و بالاخره همه علوم که در دسترس فکر انسانی است و تعلیم آنها به نفع جهان بشری و سعادت بخش جامعه انسانی می باشد دعوت می کند.

ج - علوم خاصه به قرآن مجید

تاریخ پیدایش این علوم نخستین روزهای نزول است برخی از این علوم در اطراف الفاظ و برخی در معانی به بحث می پردازد.

1- علمی که در الفاظ قرآن بحث می کند فنون تجوید و قرائت است.

2- فنی به ضبط و توجیه قرائت های هفت گانه معروف و قرائت های سه گانه می پردازد.

3- فنی عدد سوره و آیات و کلمات و ... قرآن را احصاء می کند.

4- فنی در خصوص رسم خط خاص قرآن مجید و علم هایی که در معانی قرآن مجید بحث می کند.

1- فنی است از کلیات معانی آیات مانند تنزیل و تأویل و ظاهر و باطن و محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ قرآن کنجکاوی می کند.

2- فنی است که در آیات و احکام بحث می نماید و در حقیقت شعبه ای از فقه اسلامی است.

3- فنی است که از معانی خصوص آیات قرآنی سخن می گوید و به نام تفسیر قرآن نامیده می شود.

د - علمی که قرآن مجید در پیدایش آنها عامل بوده

علوم دینی ای که امروز در میان مسلمانان دایر است به زمان بعثت پیامبر و نزول قرآن که معارف الهیه و قوانین شرعی را همراه خود آورد محدود می باشد.

در قرن اول هجری به واسطه منع مقام خلافت از کتابت حدیث، جز عده بسیار کمی که در فقه و تفسیر و حدیث مختصراتی نوشتند اکثریت مردم به طریق حفظ به تحصیل پرداخته از سینه ، سینه منتقل می نمودند.

در اوایل قرن دوم بدلیل برداشته شدن قدغن "فن حدیث و علم رجال و درایه و فن اصول فقه و علم فقه و علم کلام بوجود می آید: در فلسفه بعد از ورود از یونان به سمت "فلسفه اسلامی" پیش رفت. و در «علوم ادبیه عربی» هم مانند علم حرف و نحو و معانی و بیان و بدیع و لغت و فن فقه لغت و اشتقاق را ضبط و تنقیح اصول و قوانین این علوم نمود. «فن تاریخ» نیز در اسلام از فن حدیث مشتق شده است.

بخش پنجم :

تربیت نزول قرآن و انتشارش در میان مردم

الف - آیات قرآن مجید به چه ترتیب نازل شد؟

قرآن مجید در امتداد بیست و سه سال بطور تدریجی نازل شده (اسراء / آیه 106) ترتیب مصحف موجود براساس نزول نمی باشد. براساس محل نزول و زمان نزول و اسباب و شرایطی که زمینه نزول را فراهم آورده انقساماتی پیدا می کنند.

1- مکی و مدنی 2- سفری و حضری 3- آنچه در شب یا روز نازل شده 4- آنچه در آسمان یا زمین نازل شده

5- آنچه در قدرت یا در میان مردم نازل شده 6- برخی سوره ها مکرراً نازل شده مثل حمد

اختلافات دیگری از جهت درازی و کوتاهی در میان سور و آیات قرآنی هست مانند سوره کوثر کوتاه ترین و سوره بقره بلندترین سوره می باشد. آیه "مدهامتان" کوچک ترین آیه در آیه دین «آیه 282 بقره» بلندترین آیه قرآن است.

اختلاف دیگر از لحاظ ایجاز و اطناب است اعذب سوره های مکی دارای ایجاز و سوره های مدنی با سیاق اطناب نازل شده است.

اولین آیات سوره علق یا پنج آیه از اول سوره علق و آخرین آیه ، سوره بقره 281 است.

ج - اسباب نزول

بسیاری از سور و آیات قرآنی از جهت نزول با حوادث یا وقایعی ارتباط دارد یا نیازمندیهایی از جهت روشن شدن احکام و قوانین اسلام موجب نزول سور یا آیات شده که این زمینه ها را که موجب نزول سوره یا آیه مربوطه می باشد اسباب نزول می گویند. روایات زیادی در این زمینه رسیده که همه روایات مسند و صحیح نیست.

وجود تناقض در این روایات نشان میدهد که اسباب نزول نظری هستند نه نقلی نحض و عدم کتابت حدیث تا آخر قرن اول هجری باعث نقل به معنا شده که تغییرات ناچیز در هر مرتبه نقل روایت پیش می آمد همچنین شیوع جعل و دس و مخصوصاً دخول اسرائیلیات باعث می شود جایی برای اعتماد به اسباب نزول باقی نماند.

د - روشی که باید در اسباب نزول معمول داشت

حدیث در اعتبار خود به تأیید قرآن مجید نیازمند است و در اخبار بسیاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اهل بیت علیه السلام وارد شده که باید حدیث را به قرآن عرضه داشت. بنابراین سبب نزول که در ذیل آیه

وارد شده در صورتی که متواتر و جز قطعی الصدور نباشد باید به آیه مورد نظر عرضه و تنها در صورتی که مضمون آیه و قرائنی که در اطراف آیه موجود است با آن سازگار بود به سبب نزول نامبرده اعتماد شود. اساساً مقاصد عالیه قرآن مجید که هارف مبانی و همیشگی می باشد در استفاده خود از آیات قرآن نیازی قابل توجه یا هیچ نیازی به روایات اسباب نزول ندارند.

ه - ترتیب نزول سور

به ترتیب نزول در مصحف ثبت نیست. روایتی از ابن عباس را در جهت ترتیب نزول سوره های نقل می کند. نقل های دیگری نیز نقل شده بیشتر در صد تمیز دادن سوره های مکی از سوره های مدنی می باشد نه ترتیب نزول سوره ها.

از لحاظ ارزشی نقل تاریخی چون ابن عباس جز زمان ناچیزی از زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صحبت آن حضرت را درک نکرده بدیهی است شاهد و حاضر نزول همه سوره های نبوده و از راه نظر و اجتهاد بدست نیاورده و از دیگران شنیده در نتیجه خبری می شود بی ذکر مدرک که ارزش تاریخی ندارد.

تنها راه برای تشخیص دادن ترتیب سوره های قرآنی و مکی و مدنی بودن آنها در مضامین آنها و تطبیق آن با اوضاع و احوال پیش از هجرت و پس از هجرت می باشد.

ز - جمع قرآن مجید در یک مصحف (قرآن پیش از رحلت)

مردم بدلیل بلاغت بالای قرآن به آن گوش فرا می دادند و چون آن را کلام خدا می دانستند و در فریضه نماز می بایست مقداری از آن را بخوانند لذا در حفظ و ضبط آن با تشویق پیامبر جدیت به خرج می دادند. در مدینه گروهی به قرائت قرآن و تعلیم و تعلم احکام اسلام موظف شدند به دستور پیامبر از اسیران یهودی برای یادگرفتن خط و سواد استفاده می شد. از قوّاء در وقعه "بثرمعونه" چهل تن یا هفتاد تن یک جا شهید شدند. آنچه نازل می شود در الواح و استخوان شانه شتر و سعف خرما و نظایر آن نوشته و ضبط می شد. هم چنین نام هایی برای این سورها در صدر اسلام دایر بود مانند سور طوال و مئین و

ح - پس از رحلت

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام قرآن مجید را به ترتیب نزول در یک مصحف جمع فرمود و پس از یک سال که از رحلت گذشته بود در جنگ یمامه هفتاد نفر از قراء کشته شدند مقام خلافت از ترس اینکه ممکن است با از بین رفتن قراء خود قرآن نیز از بین برود به فکر افتاد که سوره و آیات قرآنی را در یک مصحف جمع آوری کند لذا آیات قرآنی که از الواح و سعف ها و کتف ها که در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

یا پیش قراء صحابه بود جمع آوری کرده و نسخه هایی از آن به اطراف فرستاده شد.

پس از چندی و زمان خلافت خلیفه سوم به اطلاع او رسانیدند که اختلافی در قرائات ایجاد شده و کتاب خدا با تحریف تهدید می شود تصمیم بر این شد که نسخه واحدی که از نسخه اول که به دستور خلیفه اول نوشته شده بود به مقداری نگارش شده و به شهرهای مکه ، شام ، کوفه ، بصره فرستاده شد و یکی از آنها در مدینه نگهداری شد.

ی - قرآن مجید از هر گونه تحریف محفوظ است.

تاریخ قوآن مجید از روز نزول تا امروز کاملاً روشن است. در عین حال قرآن در اثبات واقعیت خود نیزمند تاریخ نیست زیرا کتابی که مدعی است کلام خداست در این دعوی به متن خودش ابتدلال می کند و به مقام تحدی برآمده همه جن و انس را از آوردن مثل خود عاجز می داند. روشن ترین برهان براینکه هیچ تحریفی صورت نگرفته اوصاف و امتیازاتی است که قرآن مجید برای خدا بیان نموده هنوز هم باقی است. من کتاب نور و هدایتم ، من سخن خدا هستم. قرآن کتاب جامع است که برنامه زندگی فردی و اجتماعی و همه معارف اعتقادی را می توان از آن نتیجه گرفت.

یا - قرائت قرآن و حفظ و روایات آن

در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گروهی در مدینه به قرائت قرآن و تعلیم و تعلم آن اشتغال داشتند. و شاگردان غالباً به حفظ می پرداختند. خطی که آن روز برای کتابت دایر بود خط کوفی بود که نقطه و اعراب نداشت و هر کلمه با اشکال مختلف می شد خواند و عامه مردم بی سواد بودند و راهی به جز حفظ و روایت برای ضبط کلام نداشتند.

یب - طبقات قراء قراء سبعه

نخستین طبقه از طبقات قراء همان صحابه را شمرده اند مانند علی ، عبد الله بن مسعود

طبقه دوم شاگردان طبقه اول که عموماً تابعین می باشند که در شهر ما مختلف مدینه کوفه و شام و بصره افراد معروف را نام برده است.

طبقه سوم تقریباً به نیمه اول قرن دوم منطبق است جماعتی از مشاهیر ائمه قرائت که از طبقه دوم اخذ کرده اند. (قواء سبعه)

طبقه چهارم شاگردان و روایت طبقه سوم می باشند مانند ابن عیاش و حفص

طبقه پنجم طبقه اهل بحث و تالیف است. اول کسی که در قرائت به تأهیف پرداخت ابوعبید قاسم بن سلام است.

در بخشی نام قراء سبعه را ذکر کرده و راویان آنرا نام می برد.

یه - نام های سور قرآنی

تسمیه سور را گاهی با اسمی که در آن سوره واقع یا موضوعی که از آن بحث کرده، گاهی جمله ای از اول سوره و گاهی با وصفی که سوره دارد نامگذاری می شود.

یو - خط و اعراب قرآن مجید

قرآن مجید در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و قرن های اول و دوم با خط کوفی اشباح می شد و ابهام خط کوفی پیدایش سازمان حفظ و رایت و قرائت را ایجاد می کرد. تنها حفاظ و روایت بودند که تلقط صحیح قرآن را آشنا بودند و برای هر کس که مصحف را باز می کرد و می خواست تلاوت نماید قرائت صحیح آسان نبود.

از این روی در اواخر قرن اول هجری ابولاسود دثلی از اصحاب علی علیه السلام به راهنمایی آن حضرت دستور زبان عربی را که نوشته بود به امر عبدالملک خلیف اموی نقطه گذاری حروف را بنا گذاشت. خلیل بن احمد نحوی معروف واضع علم عروض بود اشکالی برای کیفیات تلفظ حروف وضع کرد.

نتیجه : برداشت و تحلیل

آئین اسلام که تبر از هر آئین دیگری سعادت زندگی بشر را تأمین و تضمین می کند از راه قرآن مجید به دست مسلمانان رسیده است و مواد دینی اسلام

که یک سلسله معارف اعتقادی و قوانین اخلاق یو عملی است ریشه اصلی آنها در قرآن مجید می باشد.

با نگاه طوبی به محتوای کتاب مشاهده می شود که ابتدا قرآن را متضمن برنامه زندگی بشر و سند نبوت معرفی می کند همچنین با معرفی این کتاب بعنوان کتابی که جهانی ، جاودان ، کامل ، دارای ظاهر و باطن ، ناسخ و منسوخ ، تأویل و تنزیل ، محکم و متشابه در عین حال قابل فهم می داند که نیاز به تفسیر دارد. لذا علم و تفسیر و طبقات مفسرین را بیان می نماید. همچنین در مورد وحی و حقیقت وحی صحبت می کند که ههم اینها از مبانی اعتقادی می باشد. پذیرش قرآن بعنوان یک کتاب آسمانی که او را دعوت به خداشناسی، پس از شناسانیدن خدا معادشناسی و پس از آن پیامبر شناسی دعوت می کند که سند حقانیت نبوت قرآن می باشد.

در مرحله بعدی کتاب از جنبه اعتقاد وارد مرحله کاربردی و تأثیر عملی قرآن در زندگی می شود و ارتباط قرآن با علوم دیگر را بررسی می نماید که در پیدایش علومی چون رجال و درایه، تفسیر ، اصول فقه ، فلسفه و ... تأثیر گذار بوده است.

و در بخش پنجم اقدامات باری ثبت و ضبط و نگه داری این برنامه با ارزش (قرآن) را بیان می دارد که وظیفه ماست در تمام دوران جایگاه این کتاب با ارزش را شناسانده و در حفظ صیانت از آن کوشا باشیم و زندگی خود را براساس آن سامان دهیم.

در این کتاب علوم استدلال عقلی نموده و از قرآن برای ادعاهای خود شاهد می آورد و برای رسیدن به یک نتیجه کلی خیلی خوب مرحله مرحله با استدلال عقلی و قرآنی پیش می رود و شبهات را طرح نموده و پاسخ نیز می دهد که همه نشان از توان علمی و ابعاد گسترده علامه دارد. برای شناخت مقام والدین معنوی استاد اشاره به این نکته شاید کافی باشد که مرحوم استاد مطهری هر وقت نام علامه طباطبائی را به زبان می آورد جمله «روحی فداه» را هم به آن می افزود و این گویای این حقیقت است که گوهرشناس می باید گوهر بشناسد

منابع :

- 1- قرآن در اسلام ، علامه سید محمد حسین طباطبائی ، به کوشش سید هادی خسروشاهی ، چاپ اول ، 1386 ، ناشر موسسه بوستان کتاب
- 2- پایگاه اینترنتی صدای شیعه
- 3- فرهنگ نام علوم قرآنی - دکتر ابراهیم اقبال ، چاپ پائیز 1385 انتشارات سپهر

پاورقی

1 قلم آیه 52

1 سوره اسراء ، آیه 89

2 زمر ، آیه 23

1 سوره نساء ، آیه 82

1 سوره بقره ، آیه 97

2 شعراء ، آیه 194

3 شمس ، آیه 8

4 انعام ، آیه 124

1 علق ، آیه 5

Source:

<http://zahra-h.blogfa.com>